

فراخوان بخاطر نجات افغانستان

انجمن سراسری حقوق دانان به نام خداوند حق و عدالت

قرار است سازمان ملل متحد در نیمه دوم ماه فبروری سال جاری در رابطه با افغانستان جلسه ای را در شهر دوحه مرکز قطر دایر و چنانچه اعلام گردیده است؛ تصامیمی در زمینه اتخاذ خواهد گردید.

« انجمن سراسری حقوقدانان افغانستان » بنابر احساس مسئولیت در قبال افغانستان و مردم مظلوم آن، مواردی را که با هست و بود کشور پیوند دارد؛ بمثابة مدعی العموم آنها، بدون نسخه پردازی از برج عاج اروپا، (تن رنجور کشور مصیبت زده ما تحمل نسخه پردازی را ندارد) بر اساس کتاب خونبار جامعه بر مبنای منافع ملی سوالات مربوط به هست و بود افغانستان را زک و راست با هموطنان عزیز مطرح می نماید.

بدون شک افغانستان از قبل و بویژه در دو نیم سال اخیر با مصایب و بحرانات زیاد مواجه بوده است و ما با دید مسلکی و آسیب شناسانه بخاطر بیرون رفت کشور از منجلاب کنونی به بحران کلیدی ترکیز می نمائیم و با طرح سوالات آتی، راه واقعی و عملی نجات را پیشنهاد می نمائیم:

- آیا در افغانستان دولت وجود دارد ؟

- چرا افغانستان درین مدت طولانی دونیم سال با فقدان دولت و تضعیف هویت سیاسی - تاریخی مواجه است ؟

- آیا در جهان ما، یک کشور بدون دولت مشروع و منزوی از جامعه بین المللی در نقشه جهان تداوم یافته می تواند؟

- چرا اداره سرپرست (حکومت دیفکتوی طالبان)، نتوانسته درین دونیم سال "بحران حقوقی" را مهار و راه رفتن به مشروعیت را بوجود آورد.

- چرا افغانستان کماکان با صلح پایدار که نیاز و شرط بقای جامعه و خواست اساسی مردم ما است و با مفاهیم آزادی، مصونیت و عدالت تعریف می گردد، فرسخ ها فاصله دارد؟

- چرا افغانستان در انزوای بین المللی و جدا از هنجارهای مرسوم جهانی قرار دارد؟ و در حالیکه آماج ذهنیت تکفیری است و به مأمّن امن تروریستان بین المللی (حسب گزارش اخیر شورای امنیت سازمان ملل متحد گروه تروریستی بین المللی در افغانستان فعال اند) مبدل گردیده و به همین دلیل بحیث منبع خطر برای همسایه ها و جهان پنداشته می شود.

- در حالیکه فقر ملیونی بحیث «دروازه کفر» بیداد می نماید و خطر وقوع فاجعه بشری، سقوط اقتصادی، مهاجرت کتلوی، بیکاری، جان ملیون ها هموطن ما را تهدید می نماید، زعامت طالبان با برخورد متحجرانه و تنگ نظرانه دین و آیین مردم را به گروگان گرفته و به ریش و حجاب چسبیده و

بیشتر از نصف نفوس را با تبعیض خشن جنسیتی از حقوق اساسی محروم و دختران را از حق تحصیل محروم ساخته اند.

مسئولان حکومت دیفکتوی طالبان با ترکیب تک گروهی، تک صنفی، تک جنسیتی، با شیوه تبعیضی و ناقض حقوق شهروندی، طی این مدت، تنظیم تمام امور را به صورت عام به شریعت اسلامی محول و حقوق و آزادیهای مردم را به «ارزشهای اسلامی و ملی» حواله می دهند. مبرهن است که مقابله با چنین مصایب جانکاه فقط در وجود یک دولت مقتدر ملی قانون محور و عدالت گستر ممکن می گردد.

چنین دولت تنها در وجود قانون اساسی، حاکمیت قانون و عدالت شکل می گیرد. این حاکمیت قانون است که راه را بسوی مشروعیت و اعمال حق حاکمیت ملی که بر اساس ارزش های دینی و نورم های قبول شده بین المللی که از صلاحیت انحصاری مردم است، باز می نماید.

دستیابی به این مأمول سترگ ملی و مهار ساختن بحران بزرگ حقوقی (که حل سایر بحرانها در گرو پرداختن بدان می باشد) همانا انفاذ قانون اساسی است، که با دین و آیین ما، مطابقت داشته که بمثابة شاه کلید حل تمام مسایل و مصایب پنداشته می شود.

در قرن (۲۱) قانون اساسی پل وصل افغانستان با جامعه بین المللی است، درین وثیقه ملی است که تعهد و الزام دولت افغانستان به منشور سازمان ملل متحد و میثاق های بین المللی مسجل و منبع اطمینان آن سازمان و سازمان های بزرگ اقتصادی و فرهنگی جهان قرار می گیرد.

انفاذ قانون اساسی یگانه راه تحدید قدرت خودکامه و استبدادی است که راه را برای تقسیم واقعی قدرت، (بشکل عمودی و افقی)، تفکیک قوای ثلاثه دولتی و تنظیم بافت دقیق و دیموکراتیک مرکز و محلات، بوجود می آورد و زمینه ساز اشتراک مردم در قدرت و اداره دولتی می گردد.

حاکمیت قانون چتر کلان برای تمام احاد ملت اعم از حکومت کنندگان و شهروندان و گذار جامعه به ثبات می باشد.

قانون صلاحیت های دولت و مکلفیت مردم را مشخص و حقوق و آزادی های شهروندی را تعریف می نماید تا در پرتو آن منتقدان و مخالفان سیاسی نظام به صورت مدنی انتقاد و مخالفت شانرا ابراز نمایند و از حقوق مشروع شان دفاع نمایند.

افغانستان بمثابة کشور متشکل از اقوام و مذاهب مختلف به یک چتر بزرگ ملی نیاز دارد که زمینه را برای ادغام (انتیگریشن) اجتماعی در جامعه ای بشدت منقطب و پراشتهاب مساعد و تمام مردم و منسوبان رژیم های مختلف از شاهی تا طالبان را مورد پوشش قرار دهد. این چتر در مرحله کنونی همانا قانون اساسی است که امکان حضور همه را بشمول طرفداران نظام های سیاسی مختلف در پروسه های کلان سیاسی و گفتمان بزرگ ملی، ممکن می سازد.

انفاذ قانون اساسی در بحث و گفتمان ملی افغانستان شمول، فرصت آنرا مساعد می سازد تا مردم به رژیم دلخواه شان، موافقه نمایند.

خواست از انفاذ قانون اساسی و استقرار حاکمیت قانون، ارزش بزرگ ملی و تاریخی و میراث مشروطه خواهان سترگ افغانستان است که در صد سال اخیر مردم بخاطر آن مبارزه نموده اند.

زعامت طالبان باید به این سوال توجه نمایند که:

در بین تمام کشورهای جهان، چرا اسرائیل و افغانستان قانون اساسی ندارد؟

تراژیدی خونبار افغانستان معلول و محصول مداخله و تجاوز خارجی و رقابت قدرت های رقیب بین المللی و اعضای دایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد است که مسئولیت حقوقی و شکست اخلاقی شان در قبال افغانستان و مردم ان اظهر من الشمس می باشد.

اما، متأسفانه درین مدت، «جامعه بین المللی» با تمام مکلفیت اخلاقی (Moral Obligation) در قبال افغانستان و مردم آن، هیچگاهی بر انفاذ قانون اساسی و یا تعهد حکومت دیفکتوی طالبان به منشور سازمان ملل متحد، تأکید جدی نکرده و پیوسته با تداوم سیاست های کجدار و مریز از «حکومت همه شمول» صحبت می نماید که در اذهان مردم ما، همان شرکت سهامی و کلیتوکراسی دهه اخیر را تداعی می نماید.

وقت آن رسیده است که جامعه جهانی و بویژه سازمان ملل متحد به ندای برحق اکثریت خاموش افغانستان، بخاطر رسیدن به خواست انسانی آنها و تحقق ارزش های مندرج در منشور ملل متحد و ارزش های جهانشمول حقوقی آن مساعی جمیله شان را بخرچ دهند.

عدم تمکین "تحریک اسلامی طالبان" و حکومت دیفکتوی آنها به خواست مردم و اراده ملی، عواقب هولناک نابودی کشور را در قبال دارد .

بدینرو:

« انجمن سراسری حقوقدانان افغانستان» در تداوم فراخوان های قبلی، از تمام وطندوستان، پاسداران حفظ و سلامت افغانستان، مدافعان حقوق و آزادی های مردم، مدافعان حقوق و داعیه برحق زنان و دختران، طرفداران دولت مقتدر ملی قانون محور و عدالت گستر منبعث از اراده آزاد مردم، نهاد های مدنی، سیاسی، پاسداران حاکمیت قانون، دادخواهان، منوران، روشنگران، منسوبان معارف، مجامع اکادمیک، شخصیت های علمی - فرهنگی، اهل موسیقی، مخالفان خشونت و تبعیض دعوت می نماید تا به چنگ زدن به مصالح علیای افغانستان و منافع مردم مظلوم ما:

در یک حی علی الفلاح تاریخی به حبل المتین (ریسمان نجات) چنگ بزنیم و انفاذ قانون اساسی و استقرارحاکمیت قانون را که زمینه ساز اعمال حق حاکمیت ملی و حقوق شهروندی است، بمثابه خواست مشترك بمثابه داعیه ملی و جهانی در سر خط کار خود قراردسیم.

به یاد داشته باشیم که حق داده نمی شود! برای رسیدن به این آرمان سترگ ملی نیاز است تا در یک رستاخیز عظیم تاریخی و راه اندازی نهضت سراسری مدنی بدور از هر نوع حب و بغض و گرایشات قومی، زبانی، سمتی و ایدیولوژیک در داخل و خارج کشور ازین داعیه برحق مردم دفاع و صدای مشترک خود را به جامعه بین المللی و سازمان ملل متحد برسانیم.

افغانستان وطن و قلب مشترک هر شهروند و تمام اقوام با هم برادر و برابر این سرزمین حماسه و فاجعه است. همه با هم و به اتکاء به وحدت ملی که بقول شاه امان الله، موجودیت کشور واحد در گرو آن است، در یک دایره وسیع وفاق منورانه و ملی، با پاسداری از «انقلاب امید» سهم شایسته خود را در مبارزه تاریخی علم و جهل، به دفاع از حق حیات و کرامت انسانی، آزادی، عدالت، ترقی، مساوات و بخاطر حفظ و تداوم مادر وطن «افغانستان عزیز» ایفا نماییم.

با حرمت

هیات اجراییه انجمن

میر عبدالواحد سادات رئیس انجمن

هشتم فبروری 2024 میلادی

19 دلو 1402 هـ . ش

